

Civilizations that Make Civilization in Imam Khomeini's Thought

Hadi ebrahimikiapei *

Received: 2020/03/05

Gholamreza Jamshidiha **

Accepted: 2020/08/05


Abstract

Imam Khomeini's collection of statements is one of the great treasures of contemporary Islamic and revolutionary knowledge and the final charter of the Islamic Revolution. In this charter, the civilizing and goal-oriented view of Imam Khomeini can be seen as the civilizing social capitals. Civilizing social capital is a set of perceptions that create optimal communication and participation of the members of a society and prepare its existential container for the acceptance of a great civilization. Therefore, in addition to explaining the concept, dimensions, views, theories and models for social capital and the great Islamic civilization from the perspective of experts, the purpose of this article is based on the theoretical-abstract nature of Imam's thought. In this study, the most important factors of the civilizing social capital of the Islamic Revolution have been studied from the perspective of Imam; These are: uprising for God, belief in the holy existence of the Guardian of the Age (pbuh), the popular leadership of the revolution, the revival of the oppressive thinking and justice of Islam, the mythical will and endurance of the great nation of Iran, the belief in Occult relief and Islamic-revolutionary systematization.

Keywords: Imam Khomeini, Social Capital, Civilization, Iran and the Revolution.


*PhD in Political Science, Assistant Professor of Education, University of Radio and Television of the Islamic Republic of Iran (Corresponding author)

ebrahimih56@yahoo.com

 0000-0002-8397-2600

** Doctor of Social Sciences – Professor of the Department of Islamic Social Sciences – Faculty of Social Sciences, University of Tehran, I.R.Iran.

gjamshidi@ut.ac.ir

 0000-0003-4639-5346

سرمایه‌های اجتماعی تمدن‌ساز در اندیشه امام

خمینی(ره)

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۲/۱۶

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۸/۰۹

هادی ابراهیمی کیایی *

غلامرضا جمشیدی‌ها**

چکیده

مجموعه بیانات امام خمینی(ره)، از گنجینه‌های عظیم معارف اسلامی و انقلابی دوران معاصر و منشور تمام‌نمای انقلاب اسلامی است. در این منشور، نگاه تمدن‌ساز و غایت-محور امام خمینی(ره)، به‌مثابه‌ی سرمایه‌های اجتماعی تمدن‌ساز قابل رؤیت است. سرمایه اجتماعی تمدن‌ساز مجموعه‌ای از ادراکاتی است که موجب ایجاد ارتباط و مشارکت بهینه اعضای یک جامعه می‌شود و ظرف وجودی آن را آماده پذیرش تمدن بزرگ می‌کند. از این‌رو، هدف مقاله حاضر علاوه بر تبیین مفهوم، ابعاد، دیدگاه‌ها، نظریه‌ها و مدل‌هایی برای سرمایه اجتماعی و تمدن بزرگ اسلامی از نگاه صاحب‌نظران، بر سیره نظری-انتزاعی اندیشه امام، بنا نهاده شده است. در این مطالعه، مهم‌ترین عوامل سرمایه اجتماعی تمدن-ساز انقلاب اسلامی از منظر امام بررسی شده است؛ که عبارتند از: قیام برای خدا، اعتقاد و باورداشت به وجود مقدس ولی عصر(عج)، مردمی بودن رهبری انقلاب، احیاء تفکر ظلم-ستیزی و عدالت‌خواهی اسلام، اراده و استقامت اسطوره‌ای و شگفت ملت بزرگ ایران، باور به امدادهای غیبی و نظام‌سازی اسلامی-انقلابی.

واژگان کلیدی: امام خمینی(ره)، سرمایه اجتماعی، تمدن، ایران و انقلاب.


* استادیار، گروه معارف دانشگاه صدا و سیما، جمهوری اسلامی ایران، تهران، جمهوری اسلامی ایران، (نویسنده مسئول).

ebrahimih56@yahoo.com

** استاد، گروه علوم اجتماعی اسلامی، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران، تهران، جمهوری اسلامی ایران.

gjamshidi@ut.ac.ir

 0000-0002-8397-2600

 0000-0003-4639-5346

مقدمه

امام خمینی (ره) به‌طور مستقیم، تعریفی از سرمایه اجتماعی ندارند؛ ولی از بیانات ایشان، مفهوم، مؤلفه‌ها و شاخص‌های سرمایه اجتماعی در عرصه‌های مختلف روابط افراد، نهادها و دول اسلامی قابل استخراج است. از این دریچه، تأثیر امام خمینی (ره) به عنوان یک رهبر در انقلابی مذهبی و مردمی، غیر قابل انکار است؛ تأثیری که نه تنها در دوران مبارزه بلکه در تداوم ارزش‌های انقلاب و اداره‌ی نظام برآمده از آن نیز خود را نشان داد. سرمایه اجتماعی (social capital) مجموعه‌ای از عناصر نظیر اعتماد جمعی، هنجارها و شبکه‌ها است که موجب ایجاد ارتباط و مشارکت بهینه اعضای یک جامعه، و در قالب آن، تسهیل همکاری-ها می‌شود. انقلاب‌ها نیازمند مشارکت، آگاهی و اعتمادند و این همه، جز به توانمندی رهبران انقلابی در شناخت سرمایه اجتماعی و استفاده درست از آن میسر نمی‌شود. امام خمینی (ره) با بهره‌گیری بهینه از عناصر و نهادهای مذهبی، توانست سه مؤلفه اعتماد، انسجام و مشارکت را در تراز سرمایه اجتماعی تقویت کند و در نتیجه، موفق شد سرمایه اجتماعی جامعه ایران را به گونه‌ای مطلوب و در راستای شکل‌گیری نظام جمهوری اسلامی ایران تقویت و مدیریت نماید. اگر چه امام خمینی (ره) اصطلاح سرمایه اجتماعی را به کار نبرده و تحت چنین عنوانی به آن نپرداخته است، با این حال ایشان به سرمایه‌هایی که در پیوندها و روابط میان افراد و گروه‌ها وجود دارد و به نیروی عظیم حاصل از آن واقف بوده است. همچنین ظرفیت‌های سرمایه اجتماعی که به لحاظ ابعاد، مؤلفه‌ها و شاخص‌ها در اندیشه و عمل ایشان وجود دارد؛ شاخص‌ها و مصادیقی متناسب با ساختار مذهبی جامعه ایران هستند. با این تفاوت که این ابعاد، مؤلفه‌ها و شاخص‌ها در متن جهانی‌بینی توحیدی و الهی ایشان معنا می‌یابد و باید در آن بستر، مورد توجه و بررسی قرار گیرد.

پرسش‌های پژوهش حاضر از این قرار است:

۱. عوامل و مؤلفه‌های تمدن‌ساز کدامند؟

۲. سرمایه‌های اجتماعی تمدن‌ساز در اندیشه امام خمینی (ره) کدام است؟

۱. پیشینه تحقیق

- محمد رحیمیان، عباس کشاورز شکری و یوسف ترابی (۱۳۹۷)، در مقاله «بررسی مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی در بیانات مقام معظم رهبری و نقش آن در تمدن‌سازی نوین اسلامی» نبود مؤلفه‌های سرمایه‌های اجتماعی از جمله اعتماد اجتماعی، همبستگی اجتماعی، مشارکت اجتماعی، حمایت اجتماعی و بیداری اجتماعی، را یکی از خلأهای موجود در جامعه کنونی معرفی، و این مؤلفه‌ها را در بیانات مقام معظم رهبری ردیابی می‌کنند و در پایان تأثیر مدل مفهومی مستخرج از آن را بر تمدن‌سازی نوین اسلامی توضیح می‌دهند.

- هادی عبدالملکی، قدیر نظامی‌پور و طاها عشایری (۱۳۹۷)، در مقاله «نظریه‌گذار تمدنی به‌مثابه راهبردی برای تحقق تمدن نوین اسلامی با تأکید بر بیداری اسلامی»، با در پیش گرفتن روش تحلیل گفتمان و تحلیل لایه‌ای علت‌ها (CLA) در پژوهش خود، معتقدند که تمدن نوین اسلامی به‌عنوان نوع خاصی از تمدن‌گرایی علی‌رغم وجوه اشتراک در عناصر مادی با سایر تمدن‌ها در مؤلفه‌های نرم‌افزاری و معنوی تفاوت آشکاری با سایر تمدن‌ها دارد؛ بنابراین تحقق آن مستلزم گذار تمدنی (گذر از تمدن مختلط، متناقض کنونی) و تمرکز بر مؤلفه‌های تمدن‌ساز در قواره جهان‌بینی و جهان‌نگری اسلامی و مسلمانی است.

- علی آدمی (۱۳۹۶)، در پژوهشی تحت عنوان «جایگاه سرمایه اجتماعی در بستر قدرت نرم با تأکید بر آراء امام خمینی (ره)»، مفهوم سرمایه اجتماعی را با تأکید بر اندیشه‌های امام خمینی مورد بررسی قرار داده‌اند؛ البته این مفهوم از مضامین مورد تأکید در گفته‌های ایشان به خصوص در حوزه سیاسی و اجتماعی است. مؤلف در

ابتدا سرمایه اجتماعی را در منظومه فکری ایشان توضیح داده، و سپس مؤلفه‌ها، عناصر و اهمیت آن را در شکل‌گیری جامعه اسلامی از نظر گذرانده است.

- غلامحسین مقیمی (۱۳۹۴)، در پژوهشی تحت عنوان «مؤلفه‌های معرفتی و ساختاری سرمایه اجتماعی اسلام از منظر امام خمینی (ره)» نشان داده، که آموزه‌های اسلامی به منزله سرمایه اجتماعی بر روی اندیشه سیاسی امام خمینی (ره) از زاویه وحدت و هم‌گرایی دول اسلامی تأثیر داشته است و در نهایت به لحاظ نظری منجر به تأسیس دولت بزرگ اسلامی به نام اتحاد جماهیر آزاد اسلامی می‌شود.

- محمدرحیم عیوضی و یوسف فتحی (۱۳۹۲)، در پژوهشی تحت عنوان «نسبت مشارکت اجتماعی و سرمایه اجتماعی در اندیشه امام خمینی» عنوان کرده‌اند، مشارکت اجتماعی (به خصوص به صورت داوطلبانه)، نقش مهمی در شکل‌گیری سرمایه اجتماعی دارد، در عین حال، سرمایه اجتماعی زمینه اصلی مشارکت را به وجود می‌آورد. در واقع سرمایه اجتماعی، روح، و مشارکت، جسم رفتار اجتماعی و سیاسی است. مشارکت، جنبه محسوس و سرمایه اجتماعی جنبه نامحسوس ثروت ملی است. با تراکم و آزاد شدن این نیرو، توسعه و تعالی (سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی) و امنیت روانی و اجتماعی در سطوح مختلف تضمین می‌شود.

- در مطالعه‌ای دیگر از سید حسین اطهری (۱۳۹۱)، با عنوان «تأثیر رهبری امام خمینی (ره) بر سرمایه اجتماعی در جریان انقلاب اسلامی ایران»، ذیل مفهوم اعتماد اجتماعی، دو محور همبستگی اجتماعی و استفاده از آموزه‌های مذهبی و شخصیت‌ها و بزرگان مذهبی مورد مذاقه قرار گرفته است؛ به‌ویژه این‌که امام در راستای تقویت اعتماد، بر این دو محور تأکید کرده و هر دوی آن‌ها را در پرتو آموزه‌های مذهبی می‌نگریسته است. در بررسی مؤلفه‌های انسجام، به ایفای نقش نهادها و نیروهای مذهبی در تشکل نیروها پی می‌بریم و تأکید امام را بر استفاده از تشکل‌ها و شبکه‌های مذهبی برجسته می‌یابیم. سومین مؤلفه، مشارکت است که در

دوران انقلاب در تظاهرات و اعتصابات نمود داشت و امام مردم را بی‌هیچ تمایزی به شرکت در آن فرا می‌خواند؛ پس از انقلاب نیز فرمان ایجاد بسیج مستضعفین، کمیته امداد و جهاد سازندگی به مشارکت همه اقشار مردم در محیط اجتماع یاری رساند.

علی‌رغم تعدد منابع مرتبط با سرمایه‌های اجتماعی تمدن‌ساز در اندیشه امام خمینی(ره)، به صورت نظام‌مند در این خصوص بحث نشده است.

۲. چارچوب مفهومی

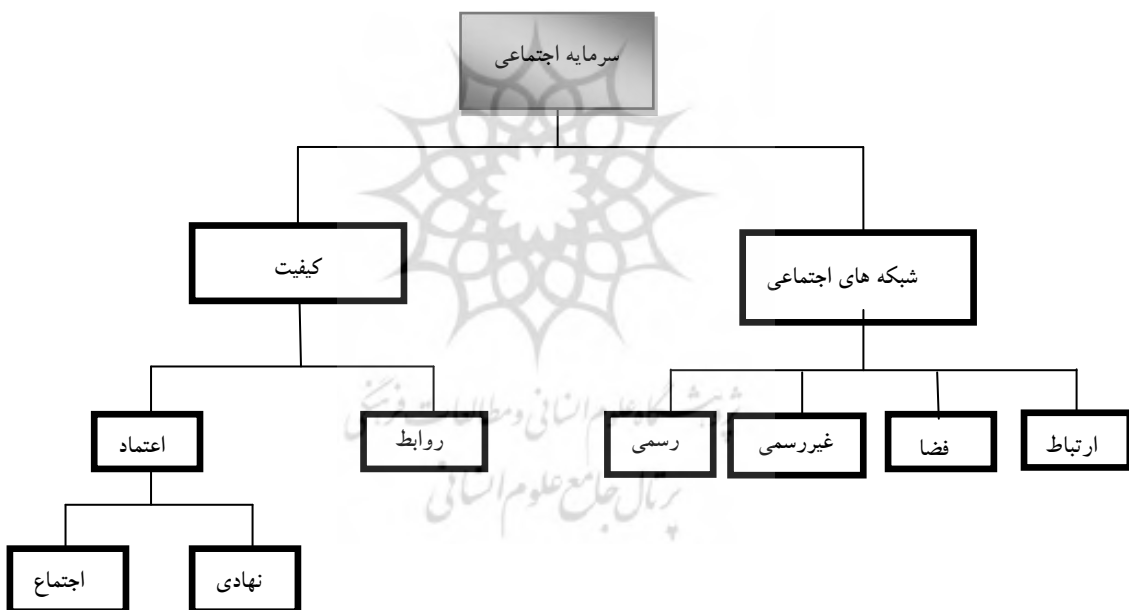
۲-۱. سرمایه اجتماعی

جیمز کلنن (Coleman, J) با ادغام دو عنصر مهم سرمایه اجتماعی، مرکب از ساختار اجتماعی شامل قوانین، هنجارها، تعهدها و اصل اقتصادی کنش عقلانی فردی، مدلی ساخته است که طبق آن، عمل اجتماعی برای اعضای شبکه، جامعه یا گروه اجتماعی با کم‌ترین هزینه تسهیل می‌شود (تاجبخش، ۱۳۸۹، ص ۳۹). کلنن برای سرمایه اجتماعی، خصلتی ساختاری و تعاملاتی قائل است که کنش‌گر با عضویت در گروه و تعامل با سایر کنشگران با رعایت اصول و قواعد مورد پذیرش در آن گروه و جلب اعتماد دیگران، به اطلاعات موردنیاز دست می‌یابد و در فرآیند کنش از حمایت جمعی برخوردار می‌شود، بنابراین، سرمایه اجتماعی تسهیل‌کننده کنش‌هاست (خالق‌زاده، ۱۳۹۳، ص ۱۸).

رابرت پاتنام (Putnam, R) سرمایه اجتماعی را مجموعه‌ای از مفاهیمی مانند اعتماد، هنجارها و شبکه‌ها می‌داند که سبب ارتباط و مشارکت مؤثر اعضای یک اجتماع می‌شود که نتیجه آن تأمین منافع متقابل اعضا خواهد بود. به باور فوکویاما (Fukuyama) سرمایه اجتماعی، یعنی شبکه‌های انجمنی، ارزش‌های جمعی و هنجارهای فرهنگی که این عناصر را از عوامل تعیین‌کننده عملکرد اقتصادی در آورده است (هما نیکفر، ۱۳۹۰، ص ۳۶)؛ و پیر بوردیو (Pierre Bourdieu)

سرمایه اجتماعی را جمع منابع واقعی یا بالقوه‌ای می‌داند که حاصل شبکه‌ای با دوام از روابط کم و بیش نهادینه شده است (صالحی، ۱۳۸۹، ص ۱۲۹). لاکلی (Lock Lee) سعی در خلاصه‌سازی طرح‌های مختلف ابعاد سرمایه اجتماعی از مبانی نظری موضوع دارد (شکل ۱) و البته اعتماد، مشارکت سیاسی و مذهبی، رهبری مدنی، پیوندهای اجتماعی، بخشش و گذشت، روحیه داوطلبی، تنوع معاشرت‌ها، دوستی‌ها، رویکرد شناختی، کیفیت و مرغوبیت، شبکه اجتماعی، و... از دیگر مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی دانسته شده است.

شکل ۱. ابعاد سرمایه اجتماعی از نظر لاکلی (lock lee,2005,126)



جدول ۲. مؤلفه‌های سرمایه‌ی اجتماعی (غضنفری، ۱۳۹۰، ص ۴۴)

ابعاد	نظریه پرداز
اندازه گروهی شبکه	کلمن
حجم سرمایه که هرکدام از اعضای شبکه دارای آن هستند	
تعهدات، انتظارات و اعتماد متقابل	بورديو
کانال‌های ارتباطی	
هنجارها و ضمانت‌های اجرایی مؤثر	
اعتماد	گروه کندی دانشگاه هاروارد (به نقل از الوانی و سیدنقوی، ۱۳۸۱)
مشارکت سیاسی	
مشارکت و رهبری مدنی	
پیوندهای اجتماعی غیررسمی	
بخشش روحیه‌ی داوطلبی مشارکت مذهبی	گوشال و ناهایت
عدالت در مشارکت مدنی، تنوع معاشرت‌ها و دوستی‌ها	
عنصرشناختی رابطه‌ای	
شبکه‌های ساختاری	
کیفیت	لاکلی

در اینجا می‌توان گفت اگر در جامعه‌ای میزان سرمایه اجتماعی پایین باشد خطر افتادن آن جامعه به وضعیت تله اجتماعی بسیار بالاست. تله اجتماعی یعنی سرمایه اجتماعی پایین، نبودن اعتماد و اطمینان بین مردم، رواج فساد اداری- اقتصادی، ترس، و... پس تله اجتماعی یعنی این‌که بدانیم منافع ما ایجاب می‌کند که همه

باهم همکاری کنیم اما اگر تو به این باور نرسی که همه افراد دیگر اجتماع هم همکاری می‌کنند، دیگر معنایی نخواهد داشت که تو به تنهایی همکاری کنی. نتیجه این اعتقاد این است که همکاری و تلاش برای منافع جمعی تنها زمانی میسر می‌شود که انسان به این باور برسد که همه افراد دیگر نیز همکاری خواهند کرد (مبشری، ۱۳۸۷).

۲-۲. تمدن

واژه civilization معادل تمدن یا حضاره است. این واژه در زبان انگلیسی از لغت لاتینی civis به معنی شهروند یا شهرنشین گرفته شده و برای دلالت بر ویژگی‌هایی مانند لطف، کیاست و لیاقت مورد استفاده قرار گرفته است که دستاورد شهرنشینی است و معادل پیشرفت و ترقی افراد و جمعیت‌هایی است که در شهرها زندگی می‌کنند. یونانیان با استفاده از واژه civilization شهر را مجموع‌های از نهادها و روابط اجتماعی می‌دانستند. در فرهنگ عمید، تمدن چنین تعریف شده است: «شهرنشین شدن، خوی شهری گزیدن و با اخلاق مردم آشنا شدن، زندگانی اجتماعی؛ همکاری مردم با یکدیگر در امور زندگانی و فراهم کردن اسباب ترقی و آسایش خود» به تعبیر دیگر، تمدن در عربی از «مدن» اخذ شده است که معنای آن اقامت کردن است و در زبان انگلیسی، واژه civilization را به این مفهوم اطلاق می‌کنند که آن نیز به معنای استقرار یافتن است و در تعریف اجتماعی، همان شهرنشینی است (عمید، ۱۳۸۹، ج ۱، ص ۵۳۰).

ابن خلدون مؤلفه‌های مدنیت را جمعیت، ثروت، کار، صنعت، دانش، هنر، جغرافیا، شهرنشینی، دین و عصیبت دانسته است. وی حضارت را یکی از مراحل زندگانی جامعه دانسته است که مرحله بدایت آن را به کمال می‌رساند. او درباره مدنیت عنوان کرده است: «در این که اجتماع نوع انسان ضروریست و حکیمان این معنی را بدین‌سان تعبیر کنند که انسان دارای سرشت مدنی است، یعنی ناگزیر است

اجتماعی تشکیل دهد که در اصطلاح ایشان آن را مدنیت گویند و معنی عمران همین است.» (ابن خلدون، ۱۳۷۱، ج ۱، ص ۷۷). به اعتقاد ابن خلدون، حضارت و بداوت همدیگر را کامل می‌کنند و حضارت به معنای تأسیس شهرها و شهرک‌ها و استقرار است که حکومت، مدنیت، مکاسب زندگی، صنایع و علوم، و وسایل رفاه و آسایش در آن پدید می‌آید.

از آغاز ظهور اسلام، همواره معیارها و شاخصه‌هایی برای رشد و پیشرفت وجود داشته است که حضور آنها در تمدن اسلامی برای همه دوران‌ها لازم و واجب است و نبود هر کدام از این شاخصه‌ها، می‌تواند مسیر پیشرفت و ترقی تمدن اسلامی را به چالش بکشاند، از جمله محوریت قوانین قرآنی، خردورزی، علم، اخلاق، مجاهدت در راه خدا، حکومت مردمی، پرهیز از تحجر، ایجاد رفاه عمومی، استقرار عدالت، دوری از اقتصاد مبتنی بر ربا و تکاثر و...؛ اما همگام با پیشرفت بشر، قطعاً معیارها و شاخصه‌های جدیدی نیز مطرح شد که اگر تمدن اسلامی قصد پیشرفت در دنیای مدرن را دارد، ناگزیر از توجه به آنها است. مقام معظم رهبری با درایت خویش و با درک مقتضیات زمان، همواره ضرورت توجه به مسائل نوظهور را در رأس برنامه‌های خود قرار داده‌اند. یکی از آنها، مسئله تمدن اسلامی است که طبعاً ذیل توجه به مسائل نوینی از جمله ابتکار و خلاقیت، توجه به رسانه‌های مدرن، هنر، سینما، بهبود روابط بین‌الملل، صدور احکام فقهی مناسب با نیازهای جدید بشری، و...، تحقق می‌یابد؛ در ادامه نسبت این مسائل با دیدگاه معظم‌له بررسی خواهد شد.

۳. روش پژوهش

روش مورد استفاده نگارندگان در این مقاله، روش تحلیلی- تاریخی با تأکید بر تحلیل مبانی معرفتی است که خود این روش را می‌توان ذیل روش‌های تحقیق کیفی- توصیفی گنجانند. با نگاهی به روند فراز و فرود تمدن اسلامی در طول

تاریخ و چالش‌هایی که با آن مواجه بوده است هیچ زمانی به اندازه شرایط کنونی شاهد پویایی اسلام در عرصه‌های مختلف نبوده‌ایم. پیروزی انقلاب اسلامی و نظام‌سازی آن بر پایه اسلام ناب محمدی از اتفاقات بی‌سابقه در طول تاریخ بوده است. نظامی که به گفته امام خمینی (ره)، خطوط کلی آن، رسیدن به تمدن اسلامی در پرتو عنایات الهی است.

۴. سرمایه‌های اجتماعی تمدن‌ساز از منظر حضرت امام خمینی (ره)

امام خمینی (ره) به عنوان یک رهبر مذهبی و مردمی با بهره‌گیری از هوش، درایت، بینش و شناخت از مسائل اجتماعی و سیاسی به شایستگی از سرمایه‌های اجتماعی ایرانیان بهره گرفتند. از بارزترین جلوه‌های به فعلیت درآمدن سرمایه اجتماعی ملت ایران را می‌توان انقلاب اسلامی مردم ایران دانست که به رهبری امام خمینی (ره) به ثمر نشست و آمادگی شگرفی در مردم برای یک عمل جمعی پدید آورد. هم اکنون نیز، اندیشه ایشان به منزله‌ی یکی از پشتوانه‌های فکری و عملی نظام جمهوری اسلامی ایران در عرصه سرمایه اجتماعی محسوب می‌شود (فقیه خلیجانی، ۱۳۹۲، ص ۸۷) از جمله:

قیام برای خدا: مهم‌ترین عامل پیروزی انقلاب، قیام برای خدا بود. این هدف مشترک و فراگیری بود که موجب پیروزی انقلاب و ماندگاری آن شد. امام در سخنان خود بیش از هر چیز بر عنصر الهی بودن انقلاب تأکید می‌کردند. امام خمینی (ره) معتقدند که ساختارهای اساسی جامعه که شامل ساختارهای فرهنگی، اجتماعی و سیاسی است، با تغییر و تحولاتی که در آن‌ها صورت گرفته، تأثیر به‌سزایی در برپایی قیام مردمی داشتند (کشاورز شکری، ۱۳۹۳، ص ۱۲۵).

اعتقاد به وجود ولی عصر (عج): دومین عامل موفقیت پیروزی انقلاب از منظر رهبر کبیر انقلاب اسلامی، اعتقاد و باورداشت به وجود مقدس ولی عصر (عج) است. مردم با این نیت انقلاب را آغاز کردند که پرچم نهضت را به دستان مبارک

امام زمان(عج) یعنی صاحب اصلی آن برسانند. آموزه مهدویت از دیدگاه بنیان‌گذار انقلاب، فراتر از یک مسئله کلامی، بلکه اصلی است که در موضع‌گیری و اقدام یک مسلمان، نقش اساسی ایفا می‌کند. غایت حاکمیت امامان معصوم علیهم‌السلام استقرار کامل عدالت در جامعه بوده است. پس اگر انتظار به تحول‌خواهی و انقلاب‌زایی تفسیر شود، هر حرکت و تحوُّلی مطلوب نیست؛ بلکه تحول و تحرکی مطلوب است که زمینه‌ساز ظهور حجت الهی باشد. امام خمینی(ره) در این باره می‌فرماید:

«ما تکلیف داریم آقا! این‌طور نیست که حالا که ما منتظر ظهور امام زمان(عج) هستیم، پس دیگر بنشینیم تو خانه‌هایمان، تسبیح رادست بگیریم و بگوییم: عجل علی فرجه، عجل، با کار شما باید تعجیل بشود، شما باید زمینه را فراهم کنید برای آمدن او، و فراهم کردن این که مسلمین را با هم مجتمع کنید. همه با هم بشوید. ان‌شاءالله ظهور می‌کند(امام خمینی، ۱۳۷۸، ج ۱۸، ص ۲۶۹).

مردمی‌بودن رهبری انقلاب: یکی دیگر از عوامل پیروزی انقلاب اسلامی ایران مردمی‌بودن رهبری انقلاب است. رهبر انقلاب فردی از میان توده‌های متوسط جامعه بود و نه از گروه و حزبی خاص یا طبقه مرفه و بی‌درد. رهبر فقید انقلاب به قدری در هم‌زیستی و هم‌ترازی با مردم تأکید داشتند که در دوران تبعید در گرمای طاقت‌فرسای شهر نجف، وقتی خواستند برای کاهش گرما، کولری را در منزل ایشان نصب کنند، مانع از این کار شدند و فرمودند در صورتی می‌پذیرم که همه مردم ایران از این امکانات بهره‌مند باشند! این ویژگی‌های مردمی امام است که موجب وحدت و هم‌دلی و اعتماد میان مردم و رهبری شد و این سرمایه عظیم اجتماعی را فراهم می‌ساخت. امام، همیشه به مدیران جامعه اسلامی یادآوری می‌کردند که نظر مردم مهم است و باید نظر آنها جلب شود. ایشان با تأکید بر این امر می‌فرمایند: «جلب نظر مردم از اموری است که لازم است. پیغمبر اکرم نظر مردم را

جلب می‌کرد، دنبال این بود که مردم را جلب کند، دنبال این بود که مردم را توجه بدهد به حق (امام خمینی، ۱۳۷۸، ج ۱۷، ص ۸۷).

احیاء تفکر ظلم‌ستیزی: نکته مهم دیگر در پیروزی انقلاب، ستم‌ستیزی و فسادگریزی انقلاب بود. این ویژگی از اهداف محوری انقلاب بود؛ و از مفاهیم کلیدی اندیشه تشیع به حساب می‌آید، که با نهضت اباعبدالله (ع) پیوند می‌خورد. بر اساس باور رایج ملت انقلابی ایران، قیام امام و انقلاب اسلامی ایران ادامه نهضت امام حسین (ع) است. اساس اسلام نیز مبارزه و تفکر مثبت ظلم‌ستیزی است:

«ملت اسلام پیرو مکتبی است که برنامه‌ی آن مکتب خلاصه می‌شود در دو کلمه لا تظلمون و لا تظلمون» (امام خمینی، ۱۳۷۸، ج ۱۴، صص ۸۱-۸۲). امام، خودش نیز این اصل را پذیرفته است؛ زیرا در پی احیاء چنین تفکری است و لذا خود قبل از هر کس، بدان پایبند شده است و این وظیفه و تکلیف را در هر مکانی انجام می‌دهد: «برای من مکان مطرح نیست، آنچه مطرح است مبارزه بر ضد ظلم است. هر جا بهتر این مبارزه صورت بگیرد، آنجا خواهم بود» (امام خمینی، ۱۳۷۸، ج ۵، صص ۳۰۰-۳۰۱). باید در مقابل ظلم و ستم ایستاد. «کل یوم عاشورا و کل ارض کربلا ... ما باید مقابل ظلم بایستیم و همین جا کربلاست و ما باید نقش کربلا را پیاده کنیم.» (امام خمینی، ۱۳۷۸، ج ۱۰، صص ۱۲۲-۱۲۳).

استقامت اسطوره‌ای مردم: اراده و استقامت اسطوره‌ای و شگفت ملت بزرگ ایران یکی دیگر از مؤلفه‌های پیروزی انقلاب و راز تداوم و ماندگاری آن است. با وجود کمبود امکانات اولیه، با همه وجود مقاومت داشتند و نگرانی معیشت و کاستی‌های زندگی روزمره، آنان را از اهداف متعالی غافل نمی‌ساخت. مقاومت مردم انقلابی ایران مصداق بارز برخی آیات قرآن بود: «إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا تَتَنَزَّلُ عَلَيْهِمُ الْمَلَائِكَةُ أَلَّا تَخَافُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَابْشُرُوا بِالْجَنَّةِ الَّتِي كُنتُمْ

تُوَعَدُونَ: آنان با اتکا به آموزه‌های قرآنی، و با ایمان قلبی، تا پای جان ثابت در مسیر اعتلای باورهای استقامت کردند.» (فصلت/۳۰)

باور به امدادهای غیبی: باورداشت به امدادهای غیبی که از اصول اندیشه اسلامی و تشیع است و از شعارهای اصلی رهبر کبیر انقلاب بود، از دیگر عوامل پیروزی‌بخش و عوامل وحدت‌آفرین بود. تأییدات الهی، تکلیف‌مداری، ایمان قوی و شفافیت هدف را باید برخی دیگر از عوامل پیروزی انقلاب دانست. عوامل یاد شده موجب شده است تا پس از گذشت چهل سال از پیروزی انقلاب و خصومت بی‌وقفه دشمنان انقلاب امت مسلمان ایران با سرافرازی راه خود را ادامه دهد و در جهانی مبتنی بر اندیشه‌های لیبرالیسم و سکولاریسم از حکومت دینی سخن بگویند و مدلی متفاوت از مدیریت سیاسی را سازگار با دین و فطرت انسان‌ها ارائه دهند. امام (ره) ضمن توجه دادن رزمندگان به برخورداری از گوهر نایاب ایمان که دشمنان ما آن را ندارند، آن را همه چیز و بلکه فوق همه چیز می‌داند و شرط برخورداری از امدادهای غیبی و نیز، وفا کردن به عهدی که بر ذمه داریم را حفظ اسلام معرفی می‌کند: «ما از خدا می‌خواهیم که با آن جنود غیبه که دارد و با آن ملائکه الله که هست، به ما کمک بفرماید و می‌فرماید؛ لکن شرط این است [که] ما به عهد خود باقی باشیم، عهدی که با اسلام داریم، حفظ اسلام، حفظ کشورهای اسلامی، حفظ نوامیس اسلامی،...، اگر شهادت نصیب شد، سعادت است و اگر پیروزی نصیب شد، سعادت است.» (امام خمینی، ۱۳۷۸، ج ۱۷، ص ۱۱۷).

اتحاد و انسجام اسلامی: از مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی، انسجام اسلامی است. به دلیل اهمیت این موضوع در تمدن‌سازی به‌مثابه فاکتوری از مؤلفه‌های تمدنی در اندیشه امام مبسوط بدان می‌پردازیم:

وظیفه مهمی که مسلمین برای تحقق اسلام ناب به عهده دارند و در تعلیمات اسلامی هم به آن اشاره شده آن است که همه مومنین در هر جای دنیا با هم

برادرند و باید به ریسمان الهی چنگ زده و با هم نزاع و جنگ نداشته باشند و همچنین متوجه متفرق نشدن اجتماعاتشان باشند. این‌ها همه دعوت الهی است که از صدر اسلام وجود داشته و تا آخر هم هست و همه باید به این دعوت گوش فرا دهند (امام خمینی، ۱۳۶۹، ج ۱۲، ص ۲۸۳). مسلمان‌ها به سفارش خدا، بایستی ید واحده باشند و با هم اتحاد داشته باشند که در این صورت جمع‌شان آسیب‌پذیر نخواهد بود، و تنها ترسی که در این رابطه می‌توان داشت ترس از توطئه‌هایی است که برای جدا کردن مسلمان‌ها صورت می‌گیرد (امام خمینی، ۱۳۶۹، ص ۱۶۰). رمز پیروزی مسلمان‌ها در ابتدای ظهور اسلام، اتحاد و ایمان مردم بود که لشکر ضعیف آنها می‌توانست امپراطوری‌های بزرگ را شکست بدهد (امام خمینی، ۱۳۶۹، ج ۶، ص ۴۹). باید متوجه این نکته بود که ملت‌های اسلامی بایستی با هم اتحاد داشته باشند و مصالح خودشان و ممالک اسلامی را مصالح اسلام بدانند و اگر ستمگری به یکی از کشورهای اسلامی تجاوز کرد، این تجاوز را تجاوز به خودشان بدانند و با قدرت‌های متجاوز مقابله کنند (امام خمینی، ۱۳۶۹، ج ۱۵، ص ۳۸). شیعیان، اهل سنت را برادران خود می‌دانند و این موضوع را به آنها اعلام می‌کنند، ولی دشمنان اسلام تلاش دارند ما با هم اختلاف داشته باشیم و همه جا این طور اعلام می‌کنند که بین مسلمین تفرقه است و با همین جدایی و تفرقه بین مسلمان‌ها، اجانب بر ما مسلط می‌شوند. وظیفه اصلی و مهم مسلمان‌هاست که با هم باشند و وحدت داشته باشند، و اگر بینشان وحدت نباشد، همیشه باید گرفتار استعمار و استبداد و اجانب باشند (امام خمینی، ۱۳۶۹، ج ۵، ص ۳۷). کشورهای اسلامی اهل تسنن باید توجه داشته باشند که عمال وابسته به قدرت‌های شیطانی بزرگ، خیرخواه اسلام و مسلمین نیستند و واجب است مسلمان‌ها از آنها دوری کنند (امام خمینی، ۱۳۶۹، ج ۱۳، ص ۸۲) و باید مسلمین سراسر جهان با هم متحد شوند و علیه اسرائیل مبارزه و قیام کنند (امام خمینی، ۱۳۶۹، ج ۲، ص ۴۸). اسلام برنامه‌ای دارد به نام

وحدت کلمه مسلمین، یعنی؛ اتحاد کشورهای اسلامی و برادری‌شان با تمام فرقه‌های مسلمین در تمام دنیا و هم‌پیمانی با تمام دولت‌های اسلامی در سراسر جهان آن هم در مقابل صهیونیست و اسرائیل و دولت‌های استعمارطلب(امام خمینی، ۱۳۶۹، ج ۱، ص ۸۴). مسلمان‌ها اهل حق‌اند و به اسلام و حقیقت ایمان آورده‌اند و در این حقی که دارند، بایستی مجتمع شوند و تفاهم داشته باشند چه مردم یک کشور و چه مردم همه کشورهای اسلام؛ و نگذارند اهل باطل در باطل خودشان اجتماعاتی تشکیل بدهند و بر اهل حق پیروز شوند. اگر ملت‌های اسلامی به سرعت متحد و به سمت حق پیش بروند این امید هست که به زودی اهل باطل را مجبور به عقب‌نشینی کنند(امام خمینی، ۱۳۶۹، ج ۱۳، ص ۴۸). الان وظیفه رؤسای جمهوری کشورهای اسلامی این است که اختلافات جزئی را کنار گذاشته و به فکر حفظ وحدت کلمه مسلمین باشند و همه با هم هم‌دست و هم‌دل شوند. الان جمعیت مسلمان‌های دنیا زیاد است ولی جمعیتی که قدرت‌شان به اندازه یک میلیون نفر هم نیست. اگر چهارصد میلیون نفر از این جمعیت با هم متحد شوند، دیگر یهود به فلسطین طمع نمی‌کند، و ابرقدرت‌ها دست از طمع به مناطق محروم و مستضعف بر می‌دارند(امام خمینی، ۱۳۶۹، ج ۱، ص ۱۲۰). اگر این وحدت به وجود بیاید، دولت‌های اسلامی با حمایت ملت‌هاشان، می‌توانند یک ارتش مشترک دفاعی با بیش از چهارصد میلیون تعلیم دیده داشته باشند، در این صورت، بزرگ‌ترین قدرت جهان را در اختیار خواهند داشت(امام خمینی، ۱۳۶۹، ج ۱۱، ص ۹۲). در کشورهای اسلامی، بایستی حکم اسلامی بین مردم و حکومت یکی باشد و همه با هم متحد باشند تا کشورشان از آسیب مصون بماند. اگر این اتحاد بین مسلمین باشد، دیگر در جهان قضیه‌ای به نام قدس و عراق و... نخواهیم داشت و کشورهای اسلامی پیروز خواهند شد(امام خمینی، ۱۳۶۹، ج ۱۳، ص ۴). امروز هر مسئله‌ای که در یک گوشه‌ی دنیا رخ بدهد مسئله کل دنیاست. اگر بین برادران ایرانی و عراقی

اختلافی به وجود بیاید، دنیا روی این مسئله حساب می‌کند و منفعت‌طلبان دنیا از این تفرقه بین شیعه و سنی در جهت منافع خود بهره‌برداری می‌کنند (امام خمینی، ۱۳۶۹، ج ۱۳، ص ۲۵). دولت‌های اسلام از قدرت اسلام غافل‌اند و به‌خاطر نداشتن وحدت، سال‌های طولانی است که از صهیونیسم سیلی می‌خورند و زیر سلطه قدرت‌های خارجی‌اند. این اختلافی که بین دولت‌های اسلامی هست دیگران از ترس قدرت اسلام، به‌وجود آورده‌اند و دولت‌های اسلامی را با هم دشمن کرده‌اند. این مشکلات و اختلافات باید در روزهایی که مسلمانان جهان دور کعبه کنار هم اجتماع می‌شوند، حل شود و بایستی سران کشورهای اسلامی کنار هم جمع شوند و مشکلاتشان را با هم در میان بگذارند و راه‌حلی برای مشکلاتشان بیابند (امام خمینی، ۱۳۶۹، ج ۱۳، ص ۱۲۶). قدرت اسلام بالاترین سطح‌هاست و این دولت‌های اسلامی که همه چیز دارند، از نیروی انسانی و ذخایر دیگر و...، اگر با هم اتحاد داشته باشند، اگر دولت‌های اسلامی با هم متحد باشند، دیگر احتیاجی به دراز کردن دست‌هایشان پیش آمریکا ندارند. احتیاج وقتی پیدا می‌شود که مثل حالا همه کشورهای متفرق و جدا از هم باشند. ایران کشوری است که از ابتدا قیام کرده و تاکنون کشور متعهدی بوده است و در مقابل همه قدرت‌هایی که بر خلاف اسلام‌اند، ایستاده و می‌ایستد و با همین رویه پیش می‌رود. امروز چه اتفاقی افتاده که کشورهای اسلامی را به ضد اسلام و کشور اسلامی دعوت می‌کنند؟ ایران یک کشوری است اسلامی، که برای آن زحمت می‌کشد و در این راه شهید داده است، حال چرا باید دولت‌های اسلامی و مدعیان اسلام در مقابل ایران جبهه‌گیری کنند؟! ایران در حالی که کشور کوچکی است، پشتوانه بزرگی چون اسلام و خدا دارد و در مقابل همه قدرت‌ها می‌ایستد و به کار خود ادامه می‌دهد و هر روز هم بهتر از قبل پیش می‌رود، و به تدریج همه جهات آن درست می‌شود. جای تأسف است که کشورهای دیگر از ایران الگو نمی‌گیرند و با هم متحد نمی‌شوند و با ملت خود و

دیگران سازش ندارند و راه را برای غلبه و تجاوز اسرائیل باز می‌گذارند. اسرائیل بلندی‌های جولان را می‌گیرد و به هیچ کس اعتناء نمی‌کند و اعلام می‌کند که هیچ قدرتی نمی‌تواند او را از این تصمیم برگرداند. مسلمان‌ها و کشورهای اسلامی به جای جبهه‌گیری مقابل اسرائیل بین خودشان تفرقه ایجاد می‌کنند. این جبهه‌گیری در مقابل اسلام و قرآن است، چون قرآن مسلمین را دعوت به وحدت می‌کند و آنها دعوت به تفرقه و مقابله با هم می‌کنند. مسلمین باید عقل را پیشوا و اسلام را مقتدای خود قرار دهند و در مقابل اسلام خاضع و متحد باشند و به حکم عقل و اسلام عمل کنند که هر دو سفارش به وحدت و اتحاد می‌کنند. در صورت اتحاد، هیچ کشوری امکان تعدی به این ممالک را نخواهد داشت و اسرائیل جرأت نخواهد کرد تا در کشورهای اسلامی و غصبی باقی بماند و مجبور به عقب‌نشینی خواهد شد(امام خمینی، ۱۳۶۹، ج ۵، ص ۲۷۱). در کشور ایران، اگر ملت و دولت با هم باشند و همه یک جور فکر کنند، دیگر منافع ابرقدرت‌ها تأمین نمی‌شود و حکومتی روی کار نمی‌آید که نخست وزیر یا وکیل آن درباره منافع ابرقدرت‌ها حرفی بزند و اگر حرفی زد، این ملت است که در مقابل او می‌ایستد و نمی‌گذارد. این آرزوی ماست که همه ممالک اسلامی و کشورهای مستضعف دنیا یک‌پارچه و یک‌صدا شوند و از بین همین جمعیت مردمی‌شان، رئیس‌جمهور و نخست‌وزیر و... مسئولین ارگان‌های دولتی شوند تا جوامع‌شان از آسیب در امان بماند(امام خمینی، ۱۳۶۹، ج ۱۲، ص ۲۸۰). در ایران این وحدت‌کلمه‌ای که هست بایستی با تلاش و جدیت حفظ شود و همه جناح‌هایی که در پیشرفت اسلام در تلاش و فعالیت‌اند با هم متحد شوند و همه مردم ایران، تمام قشرها و گروه‌ها همه هم‌دست و هم‌زبان برای نجات اسلام تلاش کنند(امام خمینی، ۱۳۶۹، ج ۲، ص ۴۰). اگر ملت‌های اسلامی با هم اتحاد داشتند و متفرق نبودند مثل الان این‌طور زیر دست اجانب و عمال‌شان ذلیل نبودند. مسلمانان باید از این خواب سیصد ساله‌شان بیدار

شوند و از ایران الگو بگیرند که با دست خالی با توپ و تانک قدرت‌های بزرگ با اتکال به خدا و وحدت و یکپارچگی مردم برای داشتن حکومت اسلامی پیروز شد (امام خمینی، ۱۳۶۹، ج ۵، ص ۱۷۴). سران دولت‌های اسلامی بایستی دقت کنند که این اختلافات هستی آنها را به باد می‌دهد. باید متوجه این باشند که می‌خواهند به اسم اسلام و مذهب، اسلام را از بین ببرند. این دست‌های ناپاکی که بین شیعه و سنی اختلاف می‌اندازند، نه شعیه‌اند نه سنی؛ دست‌های ایادی استعمارند که قصد دارند ممالک اسلامی و ذخائر آنها را از دستشان بگیرند (امام خمینی، ۱۳۶۹، ج ۱، ص ۸۸).

نظام سیاسی: نظام‌سازی از سرمایه‌هایی است که بدون آن نمی‌توان دیگر عناصر را برای تمدن‌سازی به کار گرفت. تعریف صریحی از نظام سیاسی در کلام امام خمینی (ره)، نمی‌توان یافت اما استنباط ما از مجموع گفتارهای معظم له، آن است که نظام سیاسی یعنی آنچه از گرد هم آمدن ریاست جمهوری، نخست‌وزیری و مانند آن فراهم می‌آید. در واقع، امام در مقایسه نظام اسلامی و نظام شاهی بر ارکان یا مؤسساتی تکیه می‌کند که در هر دو نظام، وجود دارد اما با دو محتوای جدا. این اشاره و اشارات مشابه، مفهومی از نظام سیاسی به همراه دارد:

۱. در رأس نظام شاهنشاهی، آریامهر و وابستگان به آن قرار داشتند اما در رأس نظام جمهوری اسلامی، رئیس جمهور قرار دارد «برای اینکه بالاترین چیزهایی که در جمهوری هست، مقامی [است] که در جمهوری هست، ریاست جمهوری است.» (امام خمینی، ۱۳۷۸، ج ۱۴، ص ۱۱۹).

۲. ارگان دیگری که در نظام شاهنشاهی وجود داشت، هیات وزرا و نخست‌وزیر بود اما از نظر امام، نظام جمهوری اسلامی، همان نظام شاهنشاهی است با اسم دیگر نیست: «آیا آقای رجایی، مثل ازهارای است، مثل بختیار است، مثل شریف امامی است؟» (امام خمینی، ۱۳۷۸، ج ۱۴، ص ۱۱۹).

۳. آیا شورای قضایی جمهوری اسلامی و «رئیس دادگاه، رؤسای دادگاه‌ها و رئیس ارگان‌های قضایی، همان‌طور هستند که در رژیم شاهنشاهی بود؟ آیا آقای دکتر بهشتی هم و آقای موسوی اردبیلی هم، همان قاضی‌هایی هستند که در آن وقت بودند؟» (امام خمینی، ۱۳۷۸، ج ۱۴، ص ۱۱۹).

امام در این مقایسه، غیرمستقیم به ارکانی اشاره می‌کنند که در کنار هم قراردادن آن، یک نظام سیاسی شکل می‌یابد. هیچ نظام سیاسی بدون قوه مجریه، مقننه و قضائیه تعریف نمی‌شود؛ ولی نظام سیاسی تنها به در اختیار داشتن شاه یا رئیس-جمهور، دربار یا نخست‌وزیر، سنا یا مجلس و امثال آن نیست؛ بلکه به نهادهای کمکی و جانبی دیگر نیاز است از جمله:

الف- آیا «رادیو-تلویزیون حالا با این که باز تسلط به آن پیدا نشده...، مثل رادیو-تلویزیون زمان رضاخان و محمدرضا است؟» (امام خمینی، ۱۳۷۸، ج ۱۴، ص ۱۱۹).

ب- آیا «ارتش... و فرماندهان ارتش حالا مثل ارتش شاهنشاهی [است...] وضع زندگی‌شان مثل آن سپهبدان است؟!» (امام خمینی، ۱۳۷۸، ج ۱۴، ص ۱۱۹)

به نظر می‌رسد که زمان، به عبارتی در تعریف امام از نظام سیاسی، نقش محوری دارد کما این که در تعریف علوم سیاسی از نظام سیاسی عنصر تداوم که قرین زمان است، مؤلفه مهمی است از این‌رو «پیاده کردن مقاصد اسلام در جهان و خصوصاً برنامه‌های اقتصادی آن و مقابله با اقتصاد بیمار سرمایه‌داری غرب و اشتراکی شرق، بدون حاکمیت همه جانبه اسلام میسر نیست و ریشه‌کن شدن آثار سوء و مخرب آن، چه بسا بعد از استقرار نظام عدل و حکومت اسلامی هم چون جمهوری اسلامی ایران، نیازمند به زمان باشد.» (امام خمینی، ۱۳۷۸، ج ۲۰، ص ۳۱۱). البته مراد امام از تأسیس تدریجی نهادها در تعریف از نظام سیاسی، همواره به معنای ایجاد نهادی نو بدون سابقه تاریخی چون سپاه پاسداران، نیست بلکه گاه منظور

از تأسیس ترمیم است مانند ارتش که پس از آن، به عنوان یکی ارکان نظام‌ساز جمهوری اسلامی باقی ماند: «این نمی‌شود الان ما بگوییم ارتشی که نظام دیده و نظم دیده کنار برود... باید به تدریج بشود. باید [نیروی مردمی] نظام پیدا بکند، بعد تبدیل بشود آن ارتش به این ارتش» (امام خمینی، ۱۳۷۸، ج ۱۴، ص ۱۱۹). نظام تنها به تأسیس یک اداره یا یک نهاد نیست؛ بلکه در کنار تأسیس، نیازمند همکاری مردم در تأسیس و تداوم آن است؛ «قدرتمندی به این است که نظام‌مان را از گرفتاری‌هایی که آمریکا برایش پیش آورده نجات بدهیم، و یک نظام متکی بر ملت ایجاد بکنیم؛ نه یک نظام متکی بر مستشارهای آمریکا» (امام خمینی، ۱۳۷۸، ج ۵، ص ۹۳).

تصویری که امام از دولت موقت، وظایف و مأموریت‌های واگذار شده به آن، ارائه می‌کند، مفهوم روشن‌تری از نظام سیاسی در اندیشه و کلام وی به تصویر می‌کشد. امام دولت موقت را تشکیل داد تا «ترتیب اداره امور مملکت و خصوصاً انجام رفتارندم و رجوع به آرای عمومی ملت درباره تغییر نظام سیاسی کشور به جمهوری اسلامی و تشکیل مجلس مؤسسان از منتخبین مردم جهت تصویب قانون اساسی نظام جدید و انتخاب مجلس نمایندگان ملت بر طبق قانون اساسی جدید را بدهید» (امام خمینی، ۱۳۷۸، جلد ۶، ص ۵۴).

نتیجه‌گیری

در منظومه‌ی فکری معمار کبیر انقلاب اسلامی و همچنین در سلوک انقلابی و جهادی امام راحل حقیقت انقلاب در الحاق پرچم به دست امام زمان ارواحنا فداه و ایجاد تمدن نوین اسلامی است که خود از بستر جریانات و سرمایه‌سازی‌های اجتماعی می‌گذرد. وجود مبارک امام شاخصه تمدن اسلامی را بهره‌مندی انسان‌ها از همه ظرفیت‌های مادی و معنوی می‌دانند که خداوند برای تأمین سعادت و تعالی آنان، در عالم طبیعت و در وجود خود آنان تعبیه کرده است.

یکی از گنجینه‌های معارف امام خمینی که در آن هم از سرمایه‌های اجتماعی و هم از الگوهای رفتاری تمدن‌سازی مطالب فراوان یافت می‌شود، بی‌شک وصیت‌نامه‌ی امام است. امام در طلیعه وصیت‌نامه، از مؤلفه‌های قدرت نرم انقلاب یاد می‌کند. بیان حدیث ثقلین به عنوان حجت قاطع بر بشر و توجه دادن دل‌ها به قرآن با عنوان چه گذشته است بر کتاب خدا، و گلایه از مهجوریت تاریخی قرآن با عبارت از صحنه خارج کردن قرآن، ذکر یکی از بزرگ‌ترین دشمنان اسلام و موانع ایجاد تمدن یعنی وهابیت با عنوان وهابیت، مذهب سراپا بی‌اساس؛ همه گویای نگاه تمدنی امام است. اشاره به سرمایه‌ها و الگوها و از آن طرف روحیه مبارزه ملت ایران برای تحقق انقلاب و حکومت جهانی مثل افتخار به مذهب جعفری حبس و تبعید و شهادت ائمه معصومین علیهم‌السلام، افتخار به زنان زینب‌گونه، امریکا تروریست بالذات دولتی، آمریکای وامانده و رسوا شده، توصیه به پایداری، توصیه به پیروی از ائمه اطهار، توصیه به نوحه‌ها و اشعار مرثیه و توجه قرار دادن جوانان و دانشگاه و حوزه و زنان و تأکید و اهتمام به موضوع وحدت اسلامی همه و همه گویای سرمایه‌های لایزال است که تمدن نوین اسلامی را محقق می‌کند.

یکی از مباحث مهم و محوری عصر حاضر، جهت‌دستیابی به توسعه همه-جانبه، بحث سرمایه اجتماعی است که به مراتب از سایر انواع سرمایه‌ها چون سرمایه مادی و فیزیکی مهم‌تر و در بردارنده تمام اقسام این سرمایه‌ها نیز هست. امام خمینی(ره) به عنوان رهبری که هم ویژگی‌های رهبران بسیج‌گر و هم واجد خصایص رهبران سیاست‌گذار بود، توانست با بهره‌گیری هوشمندانه از عناصر و دقایق مذهبی، سرمایه اجتماعی متروک جامعه ایران را به حرکت درآورد. سرمایه اجتماعی معمولاً در شرایط بحران، قوت و ضعف، خود را نشان می‌دهد اما در مواقع عادی نیز مجال حضور و نقش‌آفرینی می‌یابد. همکاری و هم‌دلی مردم ایران در هشت سال جنگ با عراق، هم‌یاری داوطلبانه در هیأت‌های مذهبی در ایام محرم

و سایر مناسبت‌ها، هم‌یاری مردم در مراسم ازدواج، عزاداری و مناسبت‌های اجتماعی، مشارکت مردم در بازسازی مناطق جنگ‌زده، کمک‌رسانی به مردم مناطق زلزله‌زده، مشارکت در جشن نیکوکاری، خیرین مدرسه‌ساز و...، نمونه‌هایی از تأثیرگذاری سرمایه اجتماعی در ایران است. در جریان شکل‌گیری و گسترش انقلاب اسلامی، که از سال ۱۳۴۱ با نهضت روحانیت آغاز شد، گرچه گروه‌ها، شخصیت‌ها و چهره‌های موجه و سابقه‌دار سیاسی کم و بیش حضور داشتند و جریان‌های دیگری هم در این دوره بیش از پانزده ساله به وجود آمد که همه خود را شایسته رهبری حرکت مردم ایران می‌دانستند و حتی با برخورداری از پشتوانه‌های حزبی و گروهی و یا حمایت‌های تبلیغاتی خارجی، به رقابت با جریان اسلامی و رهبری امام خمینی(ره) برانگیخته شدند، ولی در یک مسیر تدریجی روبه شتاب، رهبری بلامنازع انقلاب، به شکلی بارز و برجسته، در شخص امام خمینی متبلور شد. در این پدیده قطعاً جایگاه فقهی و شأن مرجعیت امام(ره) و نیز خصوصیات معنوی ایشان بی‌تأثیر نبوده است، ولی هرگز نمی‌توان پیدایش این اجماع نخبگان و توده مردم را در چارچوب نظریه رهبری کاریزماتیک به همین عوامل منحصر ساخت؛ بلکه عواملی همچون حقانیت و منطقی بودن مواضع سیاسی، صداقت و خلوص، قاطعیت و استواری، ارائه طرحی برای آینده، شیوه رهبری و توفیق عملی استراتژی مبارزه، در تکوین این رهبری مؤثر بوده است.

کتابنامه

قرآن کریم

ابن خلدون (۱۳۷۱)، مقدمه، ترجمه محمدپروین گنابادی، ج ۱، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.

آدمی، علی (۱۳۹۶)، جایگاه سرمایه اجتماعی در بستر قدرت نرم با تأکید بر آراء امام خمینی(ره)، *دوفصلنامه علمی و پژوهشی مطالعات قدرت نرم*، دوره ۷، شماره ۱۶، صص ۶۶-۸۵.

اطهری، سیدحسین (۱۳۹۱)، تأثیر رهبری امام خمینی(ره) بر سرمایه اجتماعی در جریان انقلاب اسلامی ایران، *پژوهش‌نامه انقلاب اسلامی*، شماره ۴، صص ۹۱-۱۰۸. امام خمینی، روح‌الله (۱۳۶۹)، *صحیفه نور*، جلدهای ۱-۲۲، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

امام خمینی، روح‌الله (۱۳۸۷)، *صحیفه امام*، جلدهای ۱-۲۲، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.

تاجبخش، کیان (۱۳۸۹)، *سرمایه اجتماعی، اعتماد، دموکراسی و توسعه*. تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.

خالق‌زاده، حسین (۱۳۹۳)، بررسی تأثیر سرمایه اجتماعی بر رضایت شغلی کارکنان اداری اداره کل دادگستری استان مازندران، *پایان‌نامه کارشناسی ارشد*، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد بابل.

رحیمیان، محمد؛ عباس کشاورز شکری؛ و یوسف ترابی (۱۳۹۷)، بررسی مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی در بیانات مقام معظم رهبری و نقش آن در تمدن‌سازی نوین اسلامی، *دوفصلنامه‌ی مطالعات بنیادین تمدن نوین اسلامی*، دانشگاه شاهد، دوره ۱، شماره ۲، صص ۱-۲۴.

صالحی، محمد (۱۳۸۹)، سرمایه اجتماعی و احساس امنیت در جامعه، *فصلنامه*

علمی- تخصصی دانش انتظامی مازندران، دوره اول، شماره ۲، صص ۱۴۱-۱۲۷.
عبدالملکی، هادی؛ نظامی پور، قدیر و طاها عشایری (۱۳۹۷)، نظریه گذار تمدنی به-
مثابه راهبردی برای تحقق تمدن نوین اسلامی با تأکید بر بیداری اسلامی، دو
فصلنامه‌ی مطالعات بنیادین تمدن نوین اسلامی، دانشگاه شاهد، دوره ۱، شماره ۱،
صص ۱۱۵-۱۵۱.

عمید، حسن (۱۳۸۹)، فرهنگ عمید، ج ۱، تهران: امیرکبیر.
عیوضی، محمدرحیم و فتحی، یوسف (۱۳۹۲)، نسبت مشارکت اجتماعی و سرمایه
اجتماعی در اندیشه امام خمینی، راهبرد، سال ۲۲، شماره ۶۶، صص ۳۷-۵۹.
غضنفری، شهربانو (۱۳۹۰)، بررسی رابطه سرمایه اجتماعی خانواده بر انگیزه
پیشرفت و پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان دختر سال سوم دبیرستان‌های شهر
ساری، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه پیام نور مرکز تهران.
فقیه خلجانی، سیده فاطمه (۱۳۹۲)، سرمایه اجتماعی در اندیشه و عمل امام
خمینی (س)، تهران، نشر عروج، وابسته به مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی
(ره).

کشاوری شکری، عباس؛ غفاری هشجین، زاهد و معصوم شیخی (۱۳۹۳)، مدل
انقلاب اسلامی در اندیشه امام خمینی (ره)، فصلنامه علمی پژوهش‌نامه انقلاب
اسلامی، دوره ۴، شماره ۱۰، صص ۵۱-۷۷.
مقیمی، غلامحسین (۱۳۹۴)، مؤلفه‌های معرفتی و ساختاری سرمایه اجتماعی اسلام
در مورد تحقق اتحاد جماهیر آزاد اسلامی از منظر امام خمینی (ره)، فصلنامه علمی
سیاست متعالیه، انجمن مطالعات سیاسی حوزه، دوره ۳، شماره ۸، صص ۱۲۵-۱۴۴.
مبشری، محمد (مرداد ۱۳۸۷)، سرمایه اجتماعی و توسعه اقتصادی، تاریخ مراجعه:
۱۳۹۹/۱۱/۱ در آدرس:

<http://goftemaneman.blogfa.com/post/22>

هما نیکفر، نیلوفر (۱۳۹۰)، بررسی رابطه سرمایه اجتماعی و عملکرد اعضای هیأت علمی دانشگاه پیام نور استان مازندران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته مدیریت اجرایی. دانشگاه پیام نور، استان مازندران.

Lock Lee,L.(2005). *Knowledge Management Tool and Techniques*.Elsevier Butterworth Heinemann, pp: 123-130.





شهرت‌شکاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی